

پیام شاهزاده رضا پهلوی  
در مورد  
بازنگری جنبش آزادیخواهان ملت ایران

۲۲ مرداد ماه ۱۳۸۸

هم میهنان عزیزم،

سی سال سرکوب نتوانست میل به آزادی را در قلب شما فرو گشود. سی سال ستم، سی سال دروغ، سی سال انحطاط نظام خودکامه ولایت، که خود برابندی بوده و هست از یک فریب بزرگ، و امروز نیز، چون همان روز آغازش، دریای ژرف پلیدی هاست، در همه عرصه ها شکست خورده است؛ امروز دیگر هیچ آزاده ای در جهان نیست، که در سیمای این نظام واژگونه اندیش بنگرد، و تجسم کژی، تاریکی، و بدی را، در چهره اش نبیند.

ایرانیان،

امروز، جنبش بیداری ما، که برآمدی است از هزاران سال بیداری تمدن پر شکوه ایرانزمین، جهان را سراپا بیدار کرده است. و این چنین است که جهان بیدار شده، به پایداری ما در برابر زور و خشونت برهنه، به «نه ی» بزرگ ما به دروغ، و به «آری» گفتن مان به خرد و مهر و آگاهی، به دیده احترام می نگرد.

امروز دیگر هیچ کس شکی در این ندارد، که ایرانی را نمی توان در تاریکی به بنداش کشید و صدای اش را گشت. امروز دیگر از شرق تا غرب، و از شمال تا جنوب، همه دولت ها می دانند، که ملتی چنین آزاده و دلیر را، به هیچ بهانه ای نمی توان دور زد و نادیده اش گرفت.

جوانان آزاده ایرانزمین،

جنبش دموکراسی خواهی شما، به عنوان یک جنبش اصیل و ملی، به عنوان یک جنبش شاد و خردگرا، و به عنوان یک کوشش روشنگرانه بزرگ که از سرچشمه والاترین ارزش های ملی سیراب می شود، نه تنها بری از هرگونه وابستگی به هر نیروی بیگانه است، بلکه در درون نیز، به هیچ کس جز یکایک شما پویندگان راستین راه آزادی که سازندگان ایران خوشبخت فردا هستید، تعلق ندارد.

در این هیچ شکی نداشته باشید که آن آتش مهر و خردی که امروز از سوی شما روشن شده است، چراغ راه آیندگان تان خواهد بود. در این هیچ شکی نداشته باشید که هزینه گرانی که تا به امروز پرداخته اید، سرمایه نیک بختی فرزندان تان خواهد بود تا که در جهانی خرم تتر و پیرامونی انسانی تر زندگی کنند. ولایت ستم، نیز در برابر شما کمر خم کرده است، و من دور نمی بینم آن فردای خجسته ای را، که این وحشت منظم، در برابر چشمان ما و جهان، در تمامیت اش فرو شکند.

هم میهنانم،

جناياتی که امروز در بازداشتگاه های نظام انقلابی بر فرزندان این مرز و بوم می رود، جناياتی که واپسین پرده های شرم را نیز فرو دریده اند و حتی قداست پیکر پسران و دختران جوان این میهن را نیز لگد مال می کنند، حلقه ای است از یک زنجیر ستر جنایت، که سردمداران رژیم، سی سال است در بافتن اش کوشیده اند.

جوانان و روشن اندیشان ایرانزمین،

نظام ولایت مطلقه فقیه، نه فقط در این یا آن دولت اش، بلکه در گوهراش، یک کودتای ولایی ست علیه شعور آدمیت و خرد خودمختار انسان. و اینچنین است که آنچه که در بیدادگاه ها و تاریک خانه های این نظام قرون وسطایی می بینیم، نه یک رویداد غیر عادی، بلکه نتیجه منطقی یک دستگاه تام گرا، خرد ستیز، و ضد مردمی است.

هم میهنانم،

از درون «هیچ» چیزی جز «هیچ» نزاید، و از درون آن «هیچ بزرگ» که خمینی پایه اش گذاشت، چیزی جز همین «هیچ بزرگ و آلوده به ننگ» که اینک رژیم خامنه ای در اعتراف خانه های انسان شکن اش به نمایش می گذارد، نمی تواند برون آید. قانون اساسی این نظام استوار بر کودتا و یخ زدگی فکری، چیزی جز «گورستان حقوق بشر» و «تابوت ارزش های جهان مدرن» نیست. از درون این نظام، که بن بست است در تاریکی، هیچ راهی به روشنی نمی برد.

ایرانیان،

راه رهایی ما از دو سو روشن است و به باور من، استوار بر دو «نه ی» بزرگ: نه به جمهوری اسلامی، در تمامیت اش، و نه به هرگونه مبارزه ای که به خشونت آلوده باشد. هر که در این راه بی بازگشت گام بردارد، با هر پیشینه ای، مقدم اش مبارک است، چرا که در فاصله میان این دو «نه ی» بزرگ است، که جنبش آزادی خواهی نسل نوین ایرانزمین، به دو «آری» بزرگ خویش که همانا عالی ترین هدف های اش به شمار می روند، دست خواهد یافت: جدایی دین از حکومت، و برپایی حکومت قانون.

هم میهنانم،

راه رستگاری ما، فارغ از هرگونه پیشینه سیاسی و وابستگی عقیدتی، در همبستگی ماست. و همبستگی ما تنها هنگامی می تواند به رستگاری راستین و نیکی همگانی مان بینجامد، که همبستگی ای باشد برآمده از چهار رکن: آگاهی، بخشش خردمندانه، شفافیت در بیان، و پایفشاری بر اصول.

ایرانیان،

تنها با همبستگی و همدلی ای از این دست است که می توانیم، از تکرار اشتباهات گذشته مان جلوگیری کنیم. در این راه پر فراز و نشیب، من با شما هستم. ما، در کنار هم ایستاده ایم و به یاری یکدیگر پیروز خواهیم شد.

پیروزی از آن ماست  
خداوند نگهدار ایران باد  
رضا پهلوی